

پاسخی مختصر به " گفته " های عنان گسیخته نوید اخگر

مقاله قبلی با هدف توضیح نکاتی چند پیرامون " بینش " توجیه سیاست های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا به نگارش در آمد . ولی پاسخ نوید اخگر در مقالات اخیرش بیانگر امر دیگری بود و نشان داد راز برآشفستگی ایشان در چیز دیگری نهفته است .

تمام آشفتگی و عنان گسیختگی نوید اخگر ، در انتخاب نام با مسمای " دلکک و کوتوله سیاسی " است که الحق برآزنده ایشان می باشد . چراکه هرگز دیده نشد نوید اخگر در مقابل " بینش " توجیه گرانه جنایات امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی علیه بشریت کلامی بر زبان جاری کند ، بلکه با گفتن عبارت " **ترفند مستعمل و کهنه پلیسی** " **مبارزات ضد امپریالیستی** " بر پذیرش آن اصرار می ورزد و با تناقض گویی پر مدعناسته دست خود را در **همصدایی و همدلی** با نیم پهلوی بی تاج و تخت در پشتیبانی از انقلاب مخملی (کودتای خزنده) با تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه مردم ایران ، هر چه بیشتر رو می کند .

در واقع برگزیدن نام پر معنای " دلکک و کوتوله سیاسی " ، راز اصلی دهان دریده گی کسی است که در نقش معلم اخلاق ، عاری از هر گونه متانت و بردباری اسلوب مبارزاتی است . این نام با مسمای ، چنان نوید اخگر را برآشفته کرده است که جهت زدودن آن ، ابتدا با توسل و کمک از سازمانهای جهنمی غرب چون " سیا " و " موساد " و سپس با تاکتیک آلوده کردن دیگران ، دست بدامن سازمان خبرنگاران بدون مرز و اتحادیه نویسندگان شده است . غافل از اینکه خبرنگاران و نویسندگان انقلابی هرگز امکان ندارد با دفاع از گفته های سرپا آمیخته به لجن و اتهام، خود را تا سرحد نوید اخگر خوار و خفیف گردانند .

نوید اخگر بمصدق " کافر همه را به کیش خود پندارد " ، در صدد است با پیش کشیدن پای نویسندگان و خبرنگاران- با آلوده کردن دیگران ، تفکر سرپا آغشته به ویروس لمپنیسم و شعبان بی مخی خود را آرایش کند . آنهم چه آرایشی که آرایشگر آن خاتم کوندالیزا رایس می باشد .

گویا تیر ما به هدف خورد همانطوریکه تیر گردانندگان سایت " من و پالتاک " با اصابت بههدف به افسانه چندین ساله نسبت " اتهامات و لجن پراکنی به هواداران سازمان " پایان بخشید ، انتخاب چنین نام پر محتوا هم نیز ، خواب راحت را از نوید اخگر و امثالهم سلب خواهد کرد . چراکه توجیه جنایات بی پایان امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی که هر روزه علیه مردم جهان ابعاد تازه تری بخود می یابد ، امر فوق العاده مشکلی است . کاری در ردیف " بالا تر از خطر " است . لذا برای دارنده گان " بینش " توجیه دفاع از سیاست جنایات امپریالیسم آمریکا در قامت " دلکک و کوتوله سیاسی " ، هرگز خواب راحتی متصور نخواهد بود .

انتخاب این نام پر مغز چنان اخگری بجان نوید انداخت که ایشان را بکلی گیج و منگ کرده است . بطوریکه نوید اخگر : از یک طرف با دفاع از مبارزات برحق مردم اهواز علیه رژیم ، بر قهرآمیز بودن " مبارزه " تکیه می کند و با الهام از آن به خانم رجوی هشدار می دهد که دست از مبارزه رفرمیستی (راه حل سوم " تغییر رژیم ") بردارد و راه مردم (مبارزه قهرآمیز) را در دستور کار سرنگونی رژیم قرار دهد ، از طرف دیگر با عنوان کردن ؛ " **مردم بپا خاسته روزانه با گوشت و پوست و خونشان لمس می کنند و می دانند که در عمل نمی شود این رژیم را با " جنگی طبقاتی " بزیر کشید** " (بزبان فارسی دری : چون مردم ایران مبارزه قهرآمیز را قبول ندارند) ، بر راه حل سوم (رفراندوم جهت " تغییر رژیم ") اصرار می ورزد . و جداً از فرط گیجی نمی داند چه می خواهد بگوید . زیرا آرایشگران جنایات امپریالیسم را چیزی جز التقاط برای گفتن نیست .

چنان اخگری بجان نوید انداخت که حتی خواندن فارسی سلیس دری را نیز از وی سلب نموده است . بطوریکه بخاطر عدم درک درست (عامدانه) از گفته های روشن و بجای پاسخ صریح به پرسش ما مبنی بر : " تنها راه نجات انسانها را در سرنگونی قهرآمیز کل رژیم بدست توده های رنج و کار می دانیم و نه چون شما که ؛ فقط خواهان " تغییر رژیم " از آخوندی به رژیم کاملاً دست نشانده امپریالیسم آمریکا هستید " ، با تحریف ، قلب واقعیت ، جعل و دروغ آشکار و .. ، به عبارت " گزاره گونی های پلیسی و ترفند مستعمل و کهنه پلیسی " مبارزات ضد امپریالیستی " ترجمه کرده و ما را لجاجت یونسی آخوندی می نامد .

چنان اخگری بجان ایشان زده که عقل و هوش از وی برده و گفته های صریح و روشن ما مبنی بر : " رژیم جمهوری اسلامی ایران احتیاج به تهدید کرده امثال شما ندارد ، همانطوریکه در ایران بر دریایی از جاری کردن خون دهها هزار تن از انقلابیون و آزیخواهان حکومت خویش را مستقر کرده است ، همانطوریکه صد ها نفر را در خارج ترور کرد و آنها را انکار نمود و می کند ، همانگونه که تمامی ترورهای وحشیانه خویش را که نمونه ای از آن در دادگاه میکونوس آلمان با صدها دلیل و مدرک اثبات شده بود را انکار نمود و انکار می نماید . " ، با دروغ به : " امروز افرادی ناشناس با هواداری از مانو و حمله به شخص من و با طرح تهدیدات تروریستی رژیم به جان شخص من که از طرف وزرات اطلاعات و شخص یونسی صورت گرفته غلط است و آنها دست به چنین کارهایی نمی زنند " ترجمه می گردد . آیا انصافاً بر چنین دروغگونی و وارونه گری ، چه چیزی جز نام " کوتوله بی قواره و دلچک سیاسی " می توان نهاد ؟

آیا انکار حقایق آشکار تاریخی- انکار جنایات بی پایان امپریالیسم آمریکا که فقط در یک قلم در دوران اشغال عراق " تنها " بیش از 100 هزار کودک عراقی را توسط گلوله های آغشته به اورنیوم بقتل رسانده ، بیش از 150 هزار نفر را توسط بمبارانهای وحشیانه قتل عام نموده ، هستی و نیستی یک کشور را به تلی از آهن و خاک تبدیل کرده ، هزاران تن را بربرمنشانه در زندانهای ابوغریب و گونتنامو شکنجه کرده (بطوریکه با برملا شدن هزاران عکس از این جنایات مخوف ، بوش خون آشام مجبور شد در پیشگاه مردم جهان زانو زند و به غلط کردن وادار گردد) و .. ، انکار این حقایق از طرف نوید اخگر و یا هر کس دیگری نامی جز "دلچک و کوتوله سیاسی " می تواند داشته باشد !!؟ تازه اگر مزدور مستقیم امپریالیسم آمریکا نباشد .

آیا انکار حقیقت جنایات آدمکشان آمریکائی در زندانهای " گونتنامو " که در 2000 صفحه گزارش شده است- جنایاتی که خانم رایس را چون بوش مجبور گرداند با ندبه و زاری جهت مخفی کردن ماهیت سیتاماتیک قوانین انحصارات امپریالیستی آنها به اعمال چند خاطی تقیل دهد ، می توان نام دیگری جز نام " دلچک و کوتوله سیاسی " بر انکاران این جنایات برملا شده گذاشت؟؟؟

آیا درخواست خلع سلاح اتمی از امپریالیستی که تا کنون بارها با بمباران های وحشیانه میلیونها از مردم ممالک جهان را بخاک و خون کشیده است- از امپریالیستی که هزاران سلاحهای اتمی ، خوشه ای ، شیمیائی ، هیدروژنی در زرادخانه هایش انبار می باشد ، می تواند از دهان کسی که از عقل سلیم برخوردار است جاری گردد ؟

آیا درخواست از بوش این سر دسته تروریسم جهانی که ؛ ابتدا با تحریم اقتصادی چون عراق چند میلیونی نفر را بکام مرگ کشد و سپس با عملیات " پیشگیرانه " نظامی به بهانه نابودی سلاحهای هسته ای تکلیف مردم ایران را چون عراق یکسره گرداند ، می تواند از دهان کسی که از عقل سلیم برخوردار است جاری شود و آنها در دفاع از محرمان ایران نام گذاشت؟؟؟

آیا برای این تحریف‌گندگان و انکارگران حقایق تاریخی درک همکاری رژیم ایران با رژیم دست‌نشانده آمریکا در عراق که با چراغ سبز امپریالیسم آمریکا انجام‌گردید مشکل می‌باشد؟ و دهها اما‌های دیگر که نه‌گوشی و نه‌چشمی برای این سینه‌چاکان دمکراسی آمریکائی باقی‌نگذاشته است.

جالب توجه است که نوید اخگر این تحریفات، وارونه‌گری‌ها، دروغ‌پردازی‌ها و اتهام‌زنی‌ها را بعنوان "پایان‌نامه برای یک شهادت تاریخی" می‌داند.

جناب نوید اخگر همانطوریکه در مقاله قبلی توضیح داده شد جمهوری اسلامی از امثال شما‌ها که برایش خوراک تبلیغاتی "ضد امپریالیسم بودن" مهیا می‌کنید نه تنها ناخرسند نمی‌باشد بلکه در ته‌دلش هزاران احسن و آفرین‌نثارتان می‌گرداند.

چرا که دفاع بی‌شانبه شما از بلند پایه‌ترین نماینده انحصارات خون‌ریز و غارتگر امپریالیست‌های آمریکائی-صهیونیستی چون خانم کوندالیزا رایس و جناب پرزیدنت بوش آن کلید رمز بقای جمهوری اسلامی است. کلید رمز بقای جانور آدمخواری است که بمنظور جلوگیری از تهاجم توده‌های رنج و کار به دژ سرمایه، می‌کوشد تا با نشان دادن چهره مخوف هیولای خون‌آشام افسارگسیخته آمریکا در عراق ماهیت ضد انسانی خود را پنهان سازد. و از قضا جهت مظلوم‌نمایی بیش‌تر در قیاس با این هیولای جهانخور گفته‌های امثال شما را چاشنی این ترفند عوامفریبانه خویش می‌گرداند.

بارها توضیح داده شد که ما به هیچ عنوان نه با شما و نه با کس و یا کسان دیگر بحث خصوصی نداریم، بلکه بحث ما درباره افشای "بینشی" است که می‌خواهد در قالب برحسته کردن چهره آدمخوار رژیم (که امری مورد توافق ماست)، ولی چهره کریه هیولای خون‌آشام امپریالیسم آمریکا را مخفی نگهدارد.

بحث ما با "بینشی" است که می‌خواهد فرزندان حرام زاده این هیولای خون‌آشام که هدفش چیزی جز خدمت در راستای منافع انحصارات آمریکایی نیست و نمی‌تواند باشد، بعنوان فرشته نجات مردم ایران جا بزند.

این کوتوله سیاسی هنوز بعد از سی سال "مبارزه" نمی‌خواهد بفهمد سخن از مانو تسه تونگ نه تنها خفت بار نیست، بلکه بر عکس افتخار آفرین می‌باشد. آوردن نام پر آوازه رهبر کبیری که با درایت بی نظیرش انقلاب سوسیالیستی چین را به پیروزی رساند مایه افتخار بشریت مترقی بوده و خواهد بود و زشت دانستن این نام پر افتخار، چیزی جز دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا معنی نمی‌دهد و ناشی از تفکر ضد کمونیستی می‌باشد.

بزرگ اش نخوانند اهل خرد
که نام بزرگان به زشتی برد

بمنظور آسودگی خاطر نوید اخگر خالی از فایده نیست که بدانید؛ من به مقوله ای بنام مانویسم اعتقادی ندارم، گرچه مانو را یک مارکسیست لنینیست بزرگ و رهبر کبیر انقلاب سوسیالیستی چین می‌دانم.

همچنین درباره داستان آقای یان میردال سوندی همین کافی که بدانیم؛ حاصل این بحث و جدل با ضد کمونیستی چون نوید اخگر چیزی جز تلف کردن وقت نمی‌باشد.

قابل توجه نوید اخگر: همانطوریکه بارها بر آن تکیه شده است؛ سرمایه‌داری و امپریالیسم جهت حراست از امپراطوری استثمارگرانه اش همواره در طول تاریخ توسط ماشین خول پیکر تبلیغاتی اش عامل اصلی دروغ‌پردازی و جعل سازی بوده است و از قضا ساختن احزاب کارگری و کمونیستی جعلی که بمنظور تهی کردن خصلت انقلابی مارکسیسم لنینیسم انجام می‌پذیرد، یکی از شگردهایش بوده و می‌باشد و امر جدیدی نیست که شما (نوید اخگر) آنرا بدروغ بما که علیه این ترفندهای زبردستانه امپریالیستی مبارزه کرده و می‌کنیم نسبت می‌دهید.

من و " ما " بر خلاف شما که بجای پاسخ روشن به پرسش های ما ، با تحریف- دروغ و اتهام زنی به توجیه سیاست دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا پرداخته و چاره کار را در فرار از پاسخ به پرسش انتخاب نموده و آنرا پایان کلام خویش اعلام کردید ، در راستای مبارزه علیه رژیم جمهوری ضد انسانی اسلامی ایران ، افشای سیاست های امپریالیست ها و بویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی که روزانه با جنایات بی پایان خویش عاملین اساسی سیه روزی و تباهی میلیارد ها انسانهای پر امید در جهان می باشند ، از وظایف اصلی هدف مبارزاتی خویش می دانیم . و بمنظور برپایی حکومت زحمتکشان بر ویرانه های کاخ های دروغین حاکمان ظلم و ستم در ایران و همبستگی با دیگر زحمتکشان جهان هرگز لحظه ای از مبارزه علیه " بینش " بغایت ارتجاعی حامیان توجیه جنایات امپریالیسم باز نخواهیم ایستاد .

باید منتظر ماند و دید در آینده در صورت سازش امپریالیسم آمریکا با رژیم ایران برسر مسئله تکنولوژی هسته ای ، این حضرات چه چیزی دیگری برای گفتن در چنته دارند . گر چه از نظر آنان همواره در بر همان پاشنه ای می چرخد که منافع امپریالیسم آمریکا ایجاب می کند . بیچاره آرایشگران جنایات امپریالیسم بمانند چوب دو سر " طلا " ، هم در عزا و هم در عروسی قربانی منافع آزمندانانه امپریالیست ها می باشند . جهت جلوگیری از اطاله کلام قصد بررسی بند بند گفته های این نویسنده کوتوله سی یا سی را که سراپا مملو از دروغ و تحریف آشکار می باشد ، ندارم و زحمت این کار را به عهده خوانندگان صدیق می سپارم تا با خواندن مقالات ایشان و ما به قضاوت و داوری پردازند . نام و عنوان مهم نیست ، مهم آن است که بینش درست در میان مردم راه پیدا کند .

مرگ بر رژیم انسان کش جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران !
مرگ بر امپریالیسم بسرگردگی امپریالیسم آمریکا !
مرگ بر تمامی جاسوسان و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ایران !
مرگ بر تمامی جاسوسان و مزدوران امپریالیست های آمریکائی و صهیونیست های اسرائیلی !
زنده باد آزادی و سوسیالیسم !

روزبه رنال 2005/05/23